

مبايعه نامه

۱/ [هو]

۲/ چون مطيع الاسلامى داود يهودى متوفى شده و مخلّف شد از او **تمامت** سه ۳ دانگ از جمله شش دانگ يكباب خانه واقعه مشخّصه در لتور اصفهان، محدود ذيل الكتاب و وارث او منحصر بود به حضرات ذيل الكتاب

آقا جعفر	و آقا اسمعيل	و آقا محمد	و باقر	و ستاره خانم و شيرين خانم صغيره	زينب خانم بنت سليمان متوفى، زوجه او
----------	--------------	------------	--------	---------------------------------	-------------------------------------

حدى	حدى	حدى	حدى
به خانه اسمعيل و آقا لطيف	به عمارات موشى	به خانه آقا بابا ولد يعقوب فرشادى	به خانه ماشيح ولد اسرائيل

۳/ و بعد از فوت داود اولاد و زوجه او اسلام اختيار نمودند و مسلمان شدند و ۳ سه دانگ خانه مزبوره انتقال به اولاد و زوجه او يافته و آقا باقر فوت کرده و حصه و رسد او انتقال يافته به والده او زينب خانم ۵/ و حضرات ۳ سه خانه را در معرض مبايعه درآورد.

لهذا حاضر شدند به عالى محكمه محكمه اسلاميه اصفهان، عزت و تقوى ** آقا محمدجعفر و آقا محمداسماعيل و آقا محمد و عفت پناهات زينب خانم ۶/ زوجه او و ستاره خانم و شيرين خانم اولاد داود متوفى و **به اشد رضا و رغبت تمام**، بلا اكراه و الايرام، بل طائعون راغبون **بفروختند** به مبايعه صحيحه شرعيه جازمه ۷/ لازمه اسلاميه مطيع الاسلامى موشى يهودى ولد صلبى سليمان يهودى متوفى مقرون به قبول او ۱ همگى و تمامى عرصه و اعيان كل ۳ سه دانگ خانه مزبوره فوق را با جميع توابع ۸/ شرعيه و لواحق ملايه از ممر و مدخل و ارسى و زيرزمين و اطاق و كلّ ما يتعلق بها بهقدر الحصة خود از كل شش دانگ خانه مذكوره محدوده بحدود فوق را دانسته و فهميده و عالما بالكمية ۹/ و الكيفية به ثمين و مبلغ بيست و چهار تومان فضى از قرار ريال يك هزار و يكصد و پنجاه دينار مبايعه صحيحه شرعيه و معاقدۀ صريحه مليه شامله ايجاب و قبول شرعيين (؟) و معترف شدند ۱۰/ بايعون مزبورون به صحت و لزوم مبايعه مزبوره و دانسته عقد مبايعه مزبوره از ايشان صادر شده و نقد ثمن و قبض ثمن و حصول رؤيت *** و بعد ذلك حاضر شدند ۱۱/ بايعون مزبورون و مصالحة صحيحه شرعيه اسلاميه نمودند با مشترى مذکور از غبن مبايعه مزبوره و غبن در غبن آن، فاحشاً ام افحش، دانسته و فهميده بمال المصالحة معين ۱۲/ مبلغ هفت هزار دينار ۲ موصوف مصالحة شرعيه شامليه ايجاب و قبول شرعيين (؟) و غث ذلك مصالحة صحيحه شرعيه ديگر نمودند با مشترى مذکور از غبن ۱۳/ مصالحة مزبوره و غبن در غبن آن، دانسته و فهميده بمال المصالحة ۳ سه هزار دينار موصوف مصالحة شرعيه و بعد از اجراء صيغه بايعون مزبورون به ايصال و اقباض ۱۴/ مشترى مرقوم

۱ بالای سطر= و به اذن مجوز شرعى

۲ بالای سطر: رقم به خط سياق

هر یک حصه و رسد خود را نقد و قبض نمودند و حسب المسطور سلب حقیت و ازاله ملکیت هر یک بالمهره شده و به حقیت و ملکیت مشتری مذکور قرار و استقرار ** ** / ۱۵

آقا جعفر	آقا اسمعیل	آقا محمد	و ستاره خانم	وشیرین خانم صغیره	زینب خانم ** انتقال یافته	خود و حصه و رسد باقر ولد خود که به

۱۶/ مر او راست (؟) انحاء تصرفات مالکانه و مستحقانه کیف شاء و متی اراد کتصرف الملاک فی [املاکهم] و ذوی الحقوق فی حقوقهم، و صیغه شرعیه جاری شد و این کلمات / ۱۷ به جهت قباله قلمی شد، بتاریخ بیست و هشتم شهر رجب المرجب سنة تسع و اربعین و مائین بعد الف ۱۲۴۹

[حاشیه]

آقا غلامرضا جدید مسمی (؟) در حال کفر به یهودا و زوجه او خانم جان مسمی (؟) در حال کفر به ایستر ... که معترف گردیدند که خانه مرقوم ملک طلق افراهیم پدر این زوجه بوده، پنج دانگ او را در حال حیوة به ولد خود داود مرقوم اصل منتقل ساخت به موجب دو قباله یکی / دو دانگ و یکی سه دانگ ۵؛ آقا حسن خیاط ضامن درک مبیع مزبور گردید که چنانچه فسادی در مبیعه مزبوره رود، اولاً به جواب قیام و الا در عهده بر آید. بتاریخ مذکور

[سجلات حاشیه]

۱. انا من الشاهدین علی ذلک / ... (ناخوانا)

۲. انا من الشاهدین علی ذلک / ... (ناخوانا)

[سجلات]

۱. وجه ... / به اطلاع داعی به حضرات بایعون / رسید و تمسک را به مشتری رد نمودند / فی ۷ شهر ربیع الاخر ۱۲۵۰

۲. هو الله / قد اقرؤا و اعترفوا فیما ... رقم لدی / فی بیست و ششم شهر ذی حجة ۱۲۴۹ / اقرار به اجراء صیغه و اخذ ثمن نمودند و حاضر شد / آقا محمد حسن ولد مرحوم آقا سعید و با علم بمعنی الضمان / ضامن و مستشهد به مراتب (؟) مزبوره گردید / که با ظهور فساد از عهده بر آید، مقرر شد / محمد جعفر و محمد اسمعیل و محمد و زینب خانم حضور / داشتند و شفاهاً

اقرار نمودند ستاره خانم / و شیرین خانم حاضر نبودند و ثمن و اعواض ... / ... را تمسک
اخذ نمودند

۳. هو / اعترف اسمعیل و جعفر و زینب بما زبر و رقم / فیه و كانت الستارة غایبة و آقا محمد
حسن / الخياط المرقوم فی الهامش كان لإدعائها / ضامنا و محمد و شیرین کانا صغیرین
حتى / یكون واضحا و كتب الداعی فی ۲۶ / شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۲۴۹

۴. مبلغ ده تومان^۳ قبض حضور شد و ما بقی را دو طغرا تمسک داد و مبايعه در حضور
شد بما رقم / و سطر فیه بتاريخ غره شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۴۹

۵. اعترفوا سواى ستاره و شیرین بما رقم و زبر فیه لدی / و جرى الصیغه الشرعیه

۶. مجددا حاضره شد زینب خانم والده محمد و شیرین / و ضامن و متعهد ادعای صغیرین
شد که در صورت / عدم رضا و امضاء از عهده ... علیه بر آید / تا واضح بوده باشند

۷. وقع المبايعه بما رقم فیه لدی / و ده تومان قبض شد و مابقی را حجت داد / به تاریخ غره
شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۴۹

۸. در باب بیع خانۀ مفصله مسطورہ متن (?) چنانچه بعد از این / احدی ادعائی نماید اینجانب
موافق شرع جواب آن را داده / که به مطیع الاسلام ملا موشی زیادتى نتواند نمود.

۹. عالی حضرت / آقا محمد رفیع ولد مرحوم آقا محمدعلی بزاز

۱۰. عالیحضرت / آقا حسن خیاط ولد مرحوم آقا سعید / ضامن

[گوشه برگ]

جعفر و اسمعیل و زینب خانم هر سه حضور بهم رسانده اعتراف نمودند / محمد ولد *** ** **
ستاره خانم ضمانت نمود / آقا حسن خیاط ضمانت نمود

^۳ به سیاق: ده تومان